

یکی از طرفداری دشمن این بوده است که مرتب تهدید کند به جنگ؛ و اینکه [گزینه نظامی روی میز است] چرامی گویند جنگ؟ برای اینکه ذهن ما برود به جنگ [اما] جنگ واقعی چیز دیگر است؛ جنگ واقعی جنگ اقتصادی است، جنگ واقعی تحریم است، جنگ واقعی گرفتن عرصه‌های کار و فعالیت و فناوری در داخل کشور است. (۹۵/۱۱/۲۷)

▼ حرف روز سیاست دو ستونی ترامپ

کیفیت و چگونگی سیاست دولت جدید آمریکا در قبال جمهوری اسلامی ایران هنوز در حال‌های از ابهام قرار دارد. با این حال، از برخی مواضع مقامات تازه به دوران رسیده آمریکا می‌توان پی برد که راهبرد اساسی آنها در قبال ایران، همچون گذشته، مبتنی بر کنترل، مهار، محدودسازی و انزوای ایران است. بر اساس این راهبرد کلی، به نظر می‌رسد آنها دو سیاست عمده را در قبال ایران در دستور کار دارند:

۱- «پاره نکردن برجام» و افزایش سخت‌گیری‌ها در اجرای این توافق بین‌المللی؛ آمریکایی‌ها تلاش دارند ضمن افزایش سخت‌گیری‌های خود در اجرای برجام، با وضع تحریم‌های جدید علیه کشورمان، بیش از گذشته، اقتصاد ایران را با چالش روبه‌رو کنند.

۲- ایجاد ائتلاف نظامی با متحدان عرب به منظور محدود کردن نفوذ ایران در منطقه؛ بر اساس این، قرار است متحدان عرب آمریکا در منطقه، پیمانی نظامی از نوع پیمان ناتو ایجاد کنند تا در صورت حمله به یک کشور، سایر کشورهای هم‌پیمان وارد عمل شوند. قرار است این کشورها با رژیم صهیونیستی و آمریکا در زمینه تبادل اطلاعات امنیتی و نظامی همکاری‌های گسترده‌ای داشته باشند. در واقع، هرچند آمریکا خود عضو اصلی این ائتلاف نخواهد بود؛ اما با حمایت‌های خود از آن، نقش عمده‌ای در حیات این ائتلاف ضد ایرانی ایفا خواهد کرد.

با توجه به آنچه گفته شد، آمریکایی‌ها درصدد تشدید همه‌جانبه فشارها علیه ایران هستند. بنابراین، پس از گذشت بیش از یک سال از توافق برجام و در حالی که هنوز برخی در داخل کشور تصور می‌کنند از شدت دشمنی‌های آمریکا نسبت به نظام اسلامی و مردم ایران کاسته شده است، سیاست آمریکا در قبال ایران نشان می‌دهد «در همچنان بر همان پاشنه می‌چرخد» و آنها در راهبرد و سیاست خود در قبال ایران نه تنها تغییری به نفع ایران نداده‌اند؛ بلکه بر شدت خباثت‌های خود نیز افزوده‌اند. از این رو، علی‌رغم دیدگاهی که معتقد به «دیدن دم کدخدا» برای حل مشکلات کشور است، باید گفت اعتماد به دشمن و خوش‌بین بودن نسبت به آن، نتیجه‌ای در بر ندارد و منطقی‌ترین راه پیش‌رو نیز تداوم راهبرد استکبارستیزی، حفظ بدبینی و اعتماد نداشتن به دشمن است.

▼ گزارش روز

چگونه می‌شود؟

«ما باید یک بیانیه بدهیم مبنی بر اینکه ما این نتیجه را نمی‌پذیریم و پیشنهاد ابطال انتخابات را مطرح کنیم. ما دیگر نمی‌توانیم به هیچ دلیلی مردم را در صحنه بیاوریم»، «باور داشته باشید که رهبری از این جمعیت ترسیده است و همین نقطه درست جای فشار وارد کردن است» و «اگر در این انتخابات احمدی‌نژاد سقوط کند، عملاً رهبری حذف می‌شود. اگر به هر قیمتی و به هر شکلی اصلاحات دوباره بر حوزه سیاسی و اجرایی کشور بازگردد، دیگر رهبری اقتداری در جامعه نخواهد داشت. سقوط اصولگرایان به معنای پایان اقتدار رهبری تلقی می‌شود. با شکست اصولگرایان باید قدرت آقای خامنه‌ای را مهار کرد.» این جملات و عبارات تنها بخشی از گفته‌های رسانه‌ای شده فردی است که این روزها نقش اول سناریوی «آشتی ملی» را بر عهده دارد! دیگر خودتان حدیث مفصل بخوانید از این مجمل!

چطور می‌توان از این شخص و هم‌قبیله‌ای‌هایش که سخنان و عملکردشان در سال ۸۸ در ذهن و یاد مردم ایران هست، پذیرفت که امروز نگران و دلواپس اتحاد و وحدت کلمه در برابر دشمن باشند، آیا می‌توان قبول کرد آنان که در روزهای پس از خرداد ۸۸ فراخوان وحدت و انسجام رهبر معظم انقلاب را نشنیدند و از حضور احساسی تعدادی از هموطنان مان مغرور شدند که باور کرده بودند تقلبی در کار است و با حمایت پنهان و آشکار از آن سوی مرزها، در پی آن بودند که ولی‌فقیه، ستون خیمه انقلاب و شخص اول ایستاده در برابر زیاده‌خواهی دشمن را تضعیف کنند، از آشتی ملی حرف به میان آورند؟! چگونه می‌شود پذیرفت این روزها فردی درباره ضرورت اتحاد و همدلی برای حفظ امنیت کشور سخن بگوید که در روزهای پس از انتخابات به القای دروغ بزرگ تقلب و به آشوب کشیدن تهران کمک کرد و به صراحت گفت که باید مردم را برای رسیدن به اهدافمان در خیابان نگه داریم! چگونه می‌شود؟!

▼ خبر ویژه بی‌بی‌سی حمایت آمریکا از سران فتنه!

شبکه بی‌بی‌سی فارسی که در فتنه ۸۸ نقش پررنگی در به خیابان کشاندن فتنه‌گران و خط‌دهی به اغتشاش‌گران بر عهده داشت، در یادداشتی که با عنوان «معنی درخواست آمریکا برای رفع حصر رهبران جنبش سبز» در پایگاه اینترنتی خود منتشر کرده، نگرانی خود را از حمایت مجدد دولت آمریکا از سران فتنه ۸۸ ابراز کرده است. در این یادداشت آمده است: اعلام موضع اخیر وزارت خارجه آمریکا، به طور طبیعی موقعیت حامیان رفع حصر در ایران را تضعیف خواهد کرد. اظهارات سخنگوی این وزارتخانه، بی‌تردید مورد استناد نهادهای قدرتمندی قرار می‌گیرد که مدافعان رفع حصر را، به دلیل «هم‌سویی با خواست آمریکا» بیش از پیش زیر فشار قرار می‌دهند. مشکل می‌توان فرض کرد که دولت ایالات متحده، نسبت به چنین تأثیراتی به کلی بی‌اطلاع باشد و در عین حال، بعید است که این نوع تأثیرات، اساساً جایی در محاسبات دستگاه سیاست خارجی آقای ترامپ درباره ایران داشته باشد. در ادامه یادداشت بی‌بی‌سی آمده است: تمام اینها در شرایطی است که در مدت کوتاه روی کار آمدن دولت جدید آمریکا، این دولت بیش از هر چیز بر سر اتهام بی‌اعتنایی به حقوق بشر خبرساز شده است. بیشتر مدافعان این دولت در ایالات متحده نیز، دونالد ترامپ را قهرمان دفاع از «منافع ملی» خود و اولویت دادن به این منافع در مقایسه با ملاحظات دیگر می‌دانند و نه منادی دفاع از حقوق کسانی که به ویژه در کشورهای دیگر در معرض خطر یا فشارهای امنیتی هستند.